

سال گذشته در مارین باد (Last Year At Marienbad)



- کارگردان: آلن رنه
- بازیگران: دلفین سیریگ، جورجو آلبر تاتزی و ساشا پیتویف
- محصول: ۱۹۶۱، فرانسه و ایتالیا
- امتیاز سایت IMDb به فیلم: ۷.۸ از ۱۰
- امتیاز فیلم در سایت راتن تومیتوز: ۹۴٪

فیلم «سال گذشته در مارین باد» یکی از نمادهای سینمای مدرن در دنیا است؛ داستان فیلم روایت مردی از عشق از دست رفته‌ی خود است که مرز میان خیال، واقعیت و رویا را در می‌نوردد. احساسات مرد از طریق تصویر در تصویر بازسازی می‌شود و شیوه‌ی نامتعارف قصه‌گویی، تبدیل به برگ برنده‌ی فیلم می‌شود؛ «سال گذشته در مارین باد» یک فیلم فرانسوی عاشقانه با رویکردی پیشرو در قصه‌گویی است.

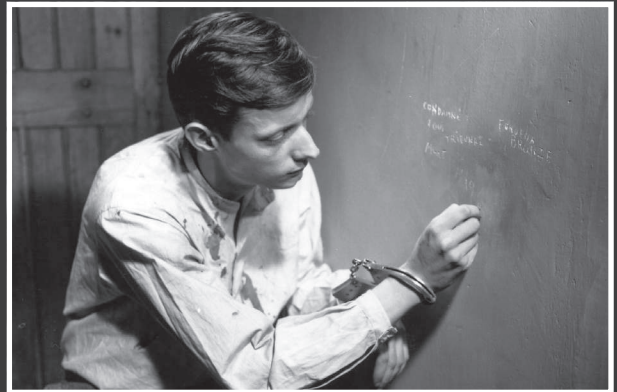
زمانی در سینما همه چیز جنبه‌ای عینی داشت. کارگردانان سعی می‌کردند که قصه‌ی آن‌ها توسط انگیزه‌های بیرونی شخصیت‌ها پیش برود و مخاطب دقیقاً و با حد و حدود مشخص بداند که چرا اتفاقی خاص در حال شکل‌گیری است و این اتفاق به اراده‌ی چه کسی به وجود آمده است. این دنیای عینی و منطقی بود که از شیوه‌ی قصه‌گویی کلاسیک سرچشمه‌ی گرفت و مکتب تداومی سینما هم به بهترین شکل امکان بروز آن را مهیا می‌کرد. فقط کافی است سری به فیلم‌های کلاسیک آمریکایی بزنید و دقت کنید که چگونه هر عملی، از انگیزه‌های مشخص سرچشمه می‌گیرد و فیلم‌ساز سعی می‌کند به درونی‌ترین خواسته‌های شخصیت‌ها هم، جنبه‌های عینی ببخشد.

اما با ظهور سینمای مدرن این شکل داستان‌گویی به هم ریخت، حال فیلم‌سازان سعی در پیدا کردن روش‌هایی داشتند تا موفق به تصویر کشیدن درونی‌ترین دغدغه‌های آدمی شوند. همان دغدغه‌هایی که هر کسی در طول حیاتش با آن‌ها درگیر است و لزوماً هم منجر به کنش عینی و بیرونی نمی‌شوند. کلنچار رفتن آدم‌ها با خود تبدیل به مساله‌ی این فیلم‌سازان شد و آن‌ها در جستجوی راهی برای ترجمان تصویری این انگیزه‌ها بودند.

داستان فیلم به گونه‌ای است که انگار کسی در حال یادآوری عشقی از دست رفته است. و چون او در حال یادآوری خاطراتش است، فیلم از نمایش رویدادها به شکل پشت سر هم سر باز می‌زند تا حال و هوای خواب و رویا در مخاطب زنده شود. این گونه من و شمای مخاطب این احساس را داریم که انگار شخصی در حال یادآوری رویدادهایی در گذشته است، بدون آن که نظم و ترتیب خاصی داشته باشند. خلاصه که آلن رنه با همکاری آلن رب گریه توانسته کاری کند که فیلمش کیفیتی شبیه به خواب و رویا پیدا کند.

«جایی به مانند یک هتل مجلل، در ظاهر میزبان یک مهمانی باشکوه است. مردی با زنی رو به روی می‌شود و ادعای می‌کند که او را می‌شناسد اما زن انکار می‌کند...»

یک محکوم به مرگ گریخت (A Man Escaped)



- کارگردان: روبر برسون
- بازیگران: روزه بلانشون، فرانسوا آلتیه
- محصول: ۱۹۵۶، فرانسه
- امتیاز سایت IMDb به فیلم: ۸.۳ از ۱۰
- امتیاز فیلم در سایت راتن تومیتوز: ۱۰۰٪

انتخاب یک فیلم از میان آثار روبر برسون کار بسیار سختی است؛ چرا که او کمتر فیلم ضعیفی در کارنامه دارد و همه هم به لحاظ هنری تقریباً در یک سطح قرار می‌گیرند. این دومین فیلم با محوریت فرار از زندان در این لیست است و البته زمین تا آسمان با «حفره» ساخته ژاک بکر تفاوت دارد. در فیلم «حفره» جنبه‌های دراماتیک ماجرا نسبت به آثار هالیوودی حضوری کم رنگ دارند حفظ شده‌اند و گرچه این تفاوت‌ها خودنمایی می‌کنند و حال و هوایی واقع‌گرایانه به اثر می‌بخشند، اما «یک محکوم به مرگ گریخت» از آن فیلم‌هاست که نمایش واقعیت‌ها را در یکال تر است؛ تا آن جا که روبر برسون رسماً تمام عناصر این سینما را به نفع خوانش خود از زندگی یک زندانی مصادره به مطلوب کرده است. در چنین حالتی است که این فیلم را می‌توان نگاهی هنرمندانه به زندگی در معنای عامش هم دانست.

در این جامردی تلاش است که از زندان آلمانی‌ها در میانه‌ی جنگ جهانی دوم و در فرانسه‌ی اشغال شده فرار کند. او مدت‌ها مطالعه می‌کند و نقشه‌ای دقیق طرح می‌ریزد. اما برسون به شیوه‌ی معمول طرح ریزی نقشه را نشان نمی‌دهد، بلکه به جای نمایش یک نقشه‌ی خارق‌العاده، بر کوچکترین چیزها تمرکز می‌کند. مانند این که چگونه یک گرگ ساده یا اشتباه کوچک در زمان‌بندی ممکن است همه چیز را بر باد دهد. اما از همه‌ی این‌ها مهم‌تر رفتار خود شخصیت اصلی است و او است که برای برسون اهمیت دارد.

صدای راوی، داستان را توضیح می‌دهد. او از احساسات درونی افراد می‌گوید و گرنه تصویر از نمایش آن سر باز می‌زند. تمرکز کردن بر رفتار روزانه‌ی آدم‌ها چیزی نیست که ما از یک فیلم فرار از زندانی توقع داشته باشیم اما برسون گاهی آن قدر بر این نکات کوچک تمرکز می‌کند که عملاً روند جلو رفتن داستان فیلم دچار وقفه می‌شود. از جایی به بعد همه چیز فیلم مدام تکرار می‌شود و تکرار می‌شود. شاهکار برسون به سال ۱۹۵۶ بر اساس خاطرات شخصی آندره دوینی، یکی از افراد جنبش مقاومت فرانسه ساخته شده است. دوینی در آن زمان سعی کرده بود از یکی از زندان‌های آلمان‌ها بگریزد. با توجه به همه‌ی آن چه که گفته شد، چیزی که فیلم را متفاوت از تمام فیلم‌های فرار از زندانی تاریخ سینما می‌کند، رویکرد سینماتوگرافیک برسون و اهمیت دادن به آن به جای پیرنگ داستان است. تمام بازیگران فیلم ناباز یگر هستند. فیلم «یک محکوم به مرگ گریخت» با نام «یاد هر کجا که بخواهد می‌وزد» هم شناخته می‌شود. «یک زندانی به نام فونتن پس از دستگیری تلاش می‌کند با ابتدایی‌ترین وسایل از زندان فرار کند اما ورود پسر نو جوان به سلول او همه چیز را به هم می‌ریزد. حال او نمی‌داند زندان بانان این پسرک را به قصد جاسوسی او به سلولش فرستاده‌اند یا نه. تا این که ...»